

**خبر آخر: گمانه‌زنی‌ها نشان می‌دهد میزان مشارکت در انتخابات مجلس دوازدهم به بیش از ۴۰ درصد و نزدیک به انتخابات ۹۸ رسید**

**پروژه تحریم شکست خورد، جامعه در انتظار اقدامات تقویت‌کننده سرمایه اجتماعی**

# درس‌های انتخابات ۱۴۰۲

این معنا که افراد به لیست‌ها رای می‌دادند به خاطر آن‌که گفتند رقیب رای نیاورد، نه اینکه گفتند خودی رای بیاورد. رقابت سلبی به خودی خود ترمیم‌کننده شکاف‌های اجتماعی نیست و قدرت افق‌گشایی ندارد، دیو و دلبرسازی در سیاست ممکن است اثر مقطعی داشته باشد اما در درازمدت سم مهلک سیاست‌ورزی و عامل رادیکالیسم است.

۵- در جریان اصولگرا تعداد و تکثیر لیست‌های شبیه به هم با اشتراکات بسیار بدون یک خط ایده رو به جلو که همگی مولود شب انتخابات بودند، بیش از پیش نشان داد که این جریان در شرایط نبود رقیب جدی مستعد تبدیل صحنه سیاسی به رقابت‌های مبتذل است.

۶- جریان اصلاح‌طلب به سه شکل با انتخابات مواجهه داشت؛ یک جریان که با ایده روزنه‌گشایی مقابل جریان تحریم‌طلب قرار گرفت و تلاش کرد با معرفی کاندیدا در شهرستان‌ها و حمایت از لیست صدای ملت در تهران وارد عرصه انتخابات شود، یک جریان که بدون دعوت به انتخابات یا تایید فهرست انتخاباتی صرفاً رای داد و یک جریان که نه مشارکت انتخاباتی داشت و نه رای داد. به نظر می‌رسد با توجه به شرایط بین‌المللی و داخلی کشور اگر قرار است در آینده دور یا نزدیک شاهد برکشیدن دوباره جریان اصلاحات باشیم باید آن را در میان طیف روزنه‌گشا جست.

۷- انتخابات مجلس دوازدهم از جنبه سیاست‌ورزی حرفه‌ای نمایشگاه استمداد ساخت حزبی در سیاست بود، به نحوه لیست دادن اصولگرایان و اصلاح‌طلبان تا آخرین لحظات نگاه کنید، تبدیل فرآیند سیاسی به آزمون استخدامی یا اقدامات شبه‌فرقه‌ای همان بلیه‌ای است که در جامعه بی‌حزب رخ می‌دهد.

۸- اینکه حدود ۱۰ درصد مردم ترجیح می‌دهند در انتخابات شرکت نکنند و استمرار این وضع در ۴ سال، یک واقعیت است که سیستم حکمرانی کشور نباید نسبت به آن بی‌اعتنا باشد. این وضعیت اگر تبدیل به رخداد موثری برای ترمیم شکاف‌های اجتماعی و افق‌گشایی در سیاست و اقتصاد نشود، می‌تواند خسارت‌زا باشد، لذا فارغ از هر نتیجه‌ای که در مجلس شکل گرفت و هر ترکیبی که وارد بهارستان شد، واقعی دیدن این موضوع و تلاش برای حل آن باید از اولویت‌ها باشد، صحنه روشن است فقط نباید پشت به واقعیت کرد.

سرمقاله

محمد زعیم‌زاده



این چند سطر در حالی نوشته می‌شود که هنوز آرای صندوق‌های مجلس دوازدهم شمرده نشده، پس طبیعی است که برداشتی اولیه باشد و با توجه به نتایج انتخابات، استدلال‌های درون متن می‌تواند تقویت یا تضعیف شود. اما با مشاهدات اولیه از فرآیند رقابت و حال و هوای روز انتخابات می‌توان روی چند نکته تاکید کرد:

۱- آمارهای غیررسمی تا لحظه نگارش این مطلب نشان می‌دهد وضعیت مشارکت در انتخابات مجلس دوازدهم چیزی شبیه انتخابات دوره قبل مجلس است و این یعنی شکاف‌های اجتماعی طی ۴ سال اخیر نه ترمیم شده است و نه تشدید. این اتفاق از یک جنبه تهدید است و از جنبه دیگر فرصت، فرصت از این جهت که کمپین‌های سلبی شکل‌گرفته علیه حکمرانی کشور نتوانست موثر باشد و تهدید از این جهت که سیستم حکمرانی هم نتوانسته است ایده رو به جلویی برای ترمیم شکاف‌های اجتماعی اتخاذ کند.

۲- با وجود فضای اعتراضی حاکم بر طیف‌هایی از مردم که منجر به تحریم ۱۰ تا ۱۵ درصدی انتخابات از سال ۹۸ تا ۱۴۰۲ شده است (نسبت به مشارکت ۵۰ تا ۵۵ درصدی معمول در انتخابات‌های مجلس)، ایده تحریم خواهی تبدیل به یک نیروی سیاسی موثر نشده است. جریان اپوزیسیون خارج‌نشین علی‌رغم همه اقدامات و پشتیبانی‌های خارجی در یک سال اخیر نتوانستند فضای اعتراضی را به یک نیروی سیاسی متصل کنند. اگر جریان تحریم موثری در داخل شکل می‌گرفت و معنای سیاسی پیدا می‌کرد با توجه به وقایع سال ۱۴۰۱ مشارکت در انتخابات می‌توانست ۱۰ تا ۱۵ درصد کمتر از سال ۹۸ باشد.

۳- حتما یکی از دلایل افت نسبی مشارکت خالی بودن میدان انتخابات از ایده‌های جدی ایجابی است، فرآیند انتخابات مجلس دوازدهم حتی تا دقیقه ۹۰ به صحنه رقابت ایده‌ها تبدیل نشد، مردم از جنبه ایجابی نمی‌دانستند تفاوت این همه لیست رنگارنگ چیست و اگر به هر کدام از این لیست‌ها رای دهند دقیقاً قرار است چه ایده‌ای را دنبال کنند.

۴- تا لحظه آخر رقابت انتخاباتی ۱۴۰۲ شاهد رقابتی سلبی بودیم، به